



چرا انسان‌ها به طبیعت بی‌مهرند؟

حسین نریمانی



انسان‌ها به طبیعت بی‌مهرند. کافی است نگاهی به اطرافمان بیندازیم. بر اساس نظر فلاسفه ی قدیم تا پیش از جدائی اش از علم، طبیعت از چهار عنصر آب و خاک و هوا و آتش بوجود آمده است که هر چهار، حاکی از پاکی و پاک‌کنندگی است. کوه، دشت، دریا، جنگل، آسمان و کویر... ولی این بطری‌های نوشابه، نخاله‌ها و خورده شیشه‌های ساختمانی، لاستیک‌های اتومبیل، قوطی‌های کوچک و بزرگ فلزی، کیسه‌های پلاستیکی، کفش، دمپایی و... اینجا چه می‌کنند؟

کارشناسان می‌گویند ده‌ها و شاید صدها سال طول بکشد تا این آلودگی‌های ناموزون بصری در طبیعت تجزیه شده و از بین بروند.



کتابخانه شخصی من پراز مجموعه عکس‌های عکاسان عزیزی است که طبیعت را شسته و رفته و زیبا، حتی زیبا تر از اصل به من نشان می‌دهند. گاهی از خودم می‌پرسم آیا عکاسی طبیعت صرفاً ثبت زیبایی‌ها است؟ پس واقعیت چه می‌شود؟ چرا سهراب می‌گفت: چشم‌ها را باید شست / جور دیگر باید دید؟ دست همه‌ی این عکاسان را می‌بوسم که رنج‌های بسیاری را متحمل می‌شوند و از پرنده‌ی نایاب برشاخه‌ای دست نیافتنی برای‌مان عکس می‌گیرند یا منظره‌ای بکر را در جاهایی که پای کمتر کسی به آن‌ها می‌رسد ثبت می‌کنند ولی من نمی‌توانم انبوه بطری‌های ریز و درشتی را که در ساحل دریا رها شده‌اند نبینم. نمی‌توانم در برابر یادگاری‌هایی که بر تنه‌ی درختان جنگلی کنده شده‌اند بی‌تفاوت بمانم. نمی‌توانم ته مانده‌های غذا را در کنار رودخانه پراکنده و کیسه‌های پلاستیکی سمجی را که بر گلولی گل‌ها و شاخه‌های ترد درختان پیچیده نگاه نکنم. من نمی‌توانم به دروغ نوشته‌های رنگی تبلیغاتی برسنگ‌ها و کوه‌های کنار جاده‌ها و هزاران نمونه‌ی دیگر از این دست بی‌اعتنا بمانم.



